

روایهایی که می آیند

اکران سینماهای جهان در روزهای پایان ماه می

هم علمی – تخیلی، هم کمدی

نیما توسلی

● **فیلم‌هایی که در روزهای آینده قرار است اکران شوند، پائانی بر سینمای ماه می است و آغازی بر ماه ژوئن. سه فیلم این قسمت را، فیلم علمی- تخیلی «پس از زمین»، تریلر «لان مرا می‌بینی» و کمدی «پادشاهان تابستان» تشکیل می‌دهند. دو فیلم اول ۳۱ می و آخری ۶ژوئن اکران عمومی خواهد شد.**

پس از زمین



After Earth

«تایت شیامالان» در داستانی از «ویل اسمیت» با بازی خودش و پسر ۱۵ساله‌اش «جادن اسمیت»، فیلم «پس از زمین» را در قالب یک داستان علمی-تخیلی و ماجراجویانه عرضه کرده است. این ششمین فیلم سینمایی از جادن اسمیت است. او هنرپیشگی را از چهارسالگی و با مجموعه دوم از فیلم «مردان سیاهپوش» آغاز کرد.

خلاصه فیلم: در این فیلم، ماجرای انسان پس از زمین به نمایش در می‌آید. مانند فیلم «فلسانه» با بازی خود ویل اسمیت که انسان در آن وجود ندارد یا زمین را ترک کرده است، در این فیلم نیز شاهد آینده‌ای از زمین هستیم که در پی تحولاتی عظیم، انسان زمین را ترک گفته و در سیارای دیگری می‌خواهد جامعه‌ای از نو تشکیل دهد. ویل اسمیت داستان این فیلم را در هنگام تماشای برنامه تلویزیونی «هن نباید زنده باشم (I Shouldn't Be Alive)» و همراه با برادرخوانده‌اش «کلیپ پینکت» نوشت. این داستان در ابتدا قرار نبود علمی- تخیلی باشد و صرفا داستان پدر و پسر ی بود که ماشینیشان در یک منطقه دورافتاده مرتفع، پرت می‌شود. و پسر برای نجات جان پدرش به دنبال کمک می‌رود. پس از آن، اسمیت تصمیم می‌گیرد داستان فیلم را به صد سال آینده برد که این موضوع، به بودجه گزافی نیاز داشت. ساخت این فیلم ۱۳۰ میلیون هزینه در بر داشته و کمپانی «کلمبیا پیکچرز» آن را توزیع می‌کند.

الان مرا می‌بینی



Now You See Me

در تریلر «الان مرا می‌بینی» به کارگردانی فیلمساز فرانسوی «لوئییس لتریِر»، «هورگان فریم» و بازیگران جوانی چون «جس ایزنبرگ» «مارک روفالو» و «وددی هریسون» بازی می‌کنند.

خلاصه فیلم: این فیلم، داستان یک گروه رابین-هودی است. گروهی متشکل از یک عامل افسی‌آی و یک کارآگاه اینترنتی که به تیمی از خیالباfterان می‌پیوندند که در حین فعالیتشان پول دردی سارقان بانک را گرفته و آن را به مردم می‌دهند. هزینه ساخت این فیلم برابر با ۷۰میلیون دلار بوده و کمپانی «سامیت اینترتینمنت» آن را توزیع می‌کند.

پادشاهان تابستان



The Kings of Summer

ستارگان کمدی «پادشاهان تابستان» را تعدادی نوجوان تشکیل می‌دهند. «تیک افرمن»، «هوبنز آریاس»، «تیک رابینسون» و «گابریل باسو» در این فیلم حضور یافته‌اند و «جورن فوگت رابرتز» آن را کار گردانی کرده است.

خلاصه فیلم: در این فیلم شاهد سه دوست نوجوان هستیم که در کمال استقلال و فارغ از هرگونه مسئولیتی تصمیم می‌گیرند تابستان را در کنار یکدیگر بگذرانند. این سه تصمیم می‌گیرند تا تابستان خود را در جنگل گذرانده و خانه‌ای چوبی بسازند تا در خارج از محیط‌های شلوغ و پر سروصدا خود را خلاص سیری کنند. مدت زمان این فیلم ۹۳ دقیقه است.

توضیح

در روزنامه روز سه‌شنبه، ۳۱ اردیبهشت گفت‌وگویی با محسن وزیری‌مقدم منتشر شده بود که در ابتدای آن عنوان شده بود این هنرمند «سال‌ها ریاست دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران را برعهده داشته». به‌این‌وسیله ضمن پوشش از ایشان، اصلاح می‌شود که وزیری‌مقدم، در این دانشکده به تدریس می‌پرداخته است و سمت ریاست دانشکده را برعهده نداشته‌اند.



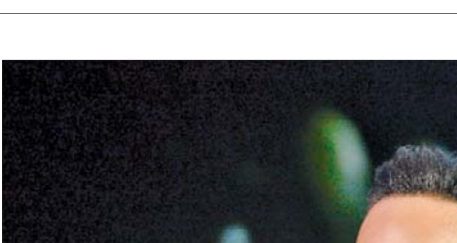
شرق: جواد شمفدری رییس سازمان سینمایی که سال گذشته ادعا کرده بود برای اسکار فرهادی با شش‌هزار عضو آکادمی علوم سینمایی آمریکا لابی کرده است، حالا می‌گوید فیلمساز سرشناس ایرانی احتیاجی به لابی برای فیلم تازش ندارد: «این بار نیاز به لابی نیست و به اسپیلبرگ می‌گویم نخل طلای کن را به اصغر فرهادی برای «گذشته» اهدا کند!» به گفته رییس سازمان سینمایی: «با توجه به اینکه اسپیلبرگ رییس هیات داوران است، بدیهی است با مشکلاتی که بین فرانسه و آمریکا وجود دارد اکثر جوایز به فرانسوی‌ها تعلق بگیرد.» شمفدری که در گفت‌وگو با «هنرآن لاین» این صحبت را مطرح کرده، گفته است: «به فرهادی

خبرسازان

تجلیل از «گذشته» به سبک «شمفدری»:

می‌گویم «اسپیلبرگ» نخل طلا را به «فرهادی» اهدا کند

دستم‌ریزاد می‌گویم، فیلمش را بسیار دوست داشتم و برایم ارزشمند است که دچار ازم‌گسیختگی فرهنگی نشده است.» شمفدری که در آخرین ماه‌های حضورش در بهارستان و سازمان سینمایی قرار دارد، به نظر می‌رسد ۱۸۰درجه نسبت به مواضع سابق خود تغییر موضع داده است و حرف از استیون اسپیلبرگی می‌زند که از نگاه بسیاری از رسانه‌های همسو با او، خالق «فهرست شیندلر» فیلم موردعلاقه صهیونیست‌هاست. از سوی دیگر او همان کسی است که با نامه مشهور «ثالثه» خود، ساخت شاهکار فرهادی یعنی «جدایی نادر از سیمین» را متوقف کرد تا جایی که اگر رایتزنی‌ها صورت نمی‌گرفت، این فیلم هیچ‌گاه ساخته نمی‌شد.



فیلم: «پس از زمین» به کارگردانی ویل اسمیت



می‌روند آنقدر داد می‌زنند تا صدایشان بگیرد و این به‌دلیل نوع کارشان است. منتها صدای من از زمانی که یادم می‌آید همین بوده است.

❧ **اشراف به این قضیه باعث شد به سمت موسیقی فلامنکو بروید.**

نه، به خاطر این نبود.

❧ **البته تحریرهای ایرانی، صدای شما را از خواننده‌های فلامنکو متمایز می‌کند و این ترکیبی است که شما به وجود آوردید. حالا نمی‌گویم سبک، چون اصولا در ایران جز چند سبک موسیقی شناخته شده نیست و معمولا هم بیشتر سبک‌ها را در یکی دو کنه‌گوری قرار می‌دهند، مثل فیوژن که خیلی گسترده‌است...**

ببینید، من وقتی می‌توانم مدعی سبکی فیوژن شوم که بگویم سبکی ملابین موسیقی دستگاهی فلامنکو و موسیقی دستگاهی ایران خلق کرده‌ام و این کار مستلزم این است که کاملاً به موسیقی دستگاهی فلامنکو و موسیقی دستگاهی ایران اشراف داشته باشم. مثلاً شما موسیقی دستگاهی ایران را می‌شناسید و تمام گوشه‌هایش را بلدید، درآمد و فرود و از آن طرف هم همینطور چون موسیقی فلامنکو هم مثل موسیقی ما دستگاهی است و بعد می‌باید آگاهانه بین این دو موسیقی یک ارتباط منطقی برقرار کنید. در صورتی که من اصلاً چنین کاری نکردم.

❧ **مدت زیادی منتظر کنسرت بودید چرا**

از آهنگ‌های جدیدترتان استفاده نکردید؟

ما الان یک برنامه‌ریزی کردیم و قرار است حداقل در هشت سال آینده همین برنامه را اجرا کنیم، مثلاً کلیپ در گذشتگان را حذف کنیم اما دیدم دوستانی که تازه به کنسرت آمده‌اند این کلیپ را ندیدند، چون معمولاً در چند کنسرت اول خیلی مخاطبان تکراری نیستند. حالا در آینده تصمیم دارم در هر هشت اجرا تغییراتی در کنداکتور بدهم.

❧ **این هشت اجرا منظور تان در تهران است.**

من در این مدت هشت اجرا در تهران داشتم، دو اجرا در کیش و دو اجرا در بندرعباس و چهار اجرا در شیراز و فکر می‌کنم در هر شهر چهار سانس جا دارد که با یک رپرتوار روی صحنه برویم.

❧ **استقبال در شهرستان‌ها چگونه بود؟**

را می‌شود تعریف کنم (خنده) فیدبک‌ها عالی بود. من در شیراز که یک روز سه سانس را پر کردم، چون یکسری ناهماهنگی به وجود آمد و مجوز، یک روز قبل از اجرا صادر شد. در بندرعباس هم همین اتفاق افتاد. چون دو سانس به دلیل یکسری مسایل کنسل شد ولی در دو سانس باقیمانده بلیت‌ها به بازار سیاه هم کشیده شد.

❧ **در یادداشتی که در مجله ترانه ماه نوشتید گفته بودید که به مردم مدیونید. آیا این شعرا بود یا واقعا حرف دلتان را گفتید؟**

نه واقعا گفته‌ام همه اهالی موسیقی ایران به مردم مدیونند. ما مثل کسانی هستیم که از یک کیلو گوشت ۲۰۰ گرم را آن هم با چربی و استخوان می‌فروشند، اما پول یک کیلو را کامل می‌گیرد. ما موسیقی سالم و خوب، خیلی کم داریم.

❧ **حالا که باب کنسرت دادنتان باز شد چه برنامه‌ریزی‌ای برای آینده دارید؟**

برای آلبوم دوم خیلی دیر شده و سعی می‌کنم تا آخر تابستان منتشر شود.

❧ **این به سعی شما بستگی دارد یا مجوز؟**

من هنوز کارهای آلبوم را انجام نداده‌م. در مورد مجوز هم فکر نکنم بگردد مشکلی وجود داشته باشد، مثلاً اللهه داستان اعتمادشان جلب شده.

❧ **الان در مرحله انتخاب آهنگ‌ها هستید؟**

نه، آهنگ‌ها انتخاب شده اما شعرا باید ادیت شود.

❧ **شعرا از خودتان است؟**

بیشتر شعرا از خودم است.

❧ **فکر کار روی اشعار قدما نیستید. به‌نظرم با موسیقی شما می‌تواند هماهنگ باشد...**

اتفاقاً روی چند شعر کار کردم مثل شعر: «هسلماان مرا وقتی دلی بود» خواجه حافظ یا مثلاً یک موسیقی تازه برای مرغ سحر ساختم منتها هیچ‌وقت آن را منتشر نمی‌کنم.

❧ **جایی اشاره کرده بودید که محور کار شما بیشتر موسیقی است تا کلام. پس چرا اینقدر روی روایت‌گوینی اشعار تأکید دارید؟**

شماوقتی داستانی گوش می‌دهید تصاویرش در ذهنتان مجزا نیست. یکی از دوستانتان می‌گفت چرا من با فلان ترانه‌سرا کار نمی‌کنم. گفتیم من ترانه‌های ایشان را خیلی دوست دارم اما وقتی ترانه‌های او را می‌شنوم مثل این است که وارد یک گالری می‌شوم و هر تابلویی را می‌بینم ساعتی متحوش می‌شوم ولی وقتی از گالری بیرون می‌آیم هیچ کدام از تابلوها در ذهنم نمانده است.

❧ **بعد از کنسرت و ارتباط مستقیم با مخاطب چقدر در نگاهتان به موسیقی تفاوت ایجاد شده؟**

شاید اگر ۱۰ سال کوچک‌تر بودم اتفاقات بدی برایم می‌افتاد. شاید از جایی در می‌رفتم. الان چنین نگاهی ندارم که قرار است سال‌ها شهره بمانم.

هنر

چهار روز

شاهکار «مارکز» برای چاپ دوم، میمیزی شد

توقف «صد سال تنهایی» در بهارستان



● **شرق:** فعلاً منتظر چاپ جدید بهترین ترجمه شاهکار «گابریل گارسیا مارکز» نباشید. چراکه حجم میمیزی صمدسال تنهایی «بهمن فرزانه» آنقدر زیاد بوده است که هم ناشر و هم مترجم تصمیم گرفتند که آن را منتشر نکنند. این خبری بود که بهمین فرانزه روز چهارشنبه در گفت‌وگو با ایسنا، گفته بود و اعلام کرده بود: «چاپ اول اثر مارکز تمام شده و با وجود اینکه کتاب اخیراً تجدیدچاپ شده بود، حالا می‌گویند فلان بخش از کتاب را بزیند که این‌جوری عملاً چیزی از آن باقی نمی‌ماند. بنابراین کتاب، فعلاً و با این وضعیت، تجدیدچاپ نمی‌شود.» این نکته‌ای بود که بعد از پیگیری، فرانزه آن را تأیید کرد و به روزنامه «شرق» گفت: «انتشارات امیرکبیر، سال گذشته این اثر داستانی را منتشر کرده بود و چاپ خوبی را نیز به بازار عرضه کرده بود. از آنجایی که این چاپ به پایان رسیده است، بار دیگر اقدام به انتشار مجدد کتاب کرد.» اما مظاهر ابد از مراجعه مسوولان انتشارات امیرکبیر برای دریافت برگه ترخیص چاپ جدید، متوجه می‌شوند که کتاب، بار دیگر میمیزی شده است و اداره کتاب از آنها خواسته است تا با میمیزی جدید، کتاب را منتشر کنند. بهمین فرانزه می‌گوید: «براساس میمیزی جدید کتاب، تقریباً چیزی از صمدسال تنهایی باقی نمی‌ماند و به همین دلیل تصمیم گرفتیم که از چاپ مجدد این کتاب با حذف بخش زیادی از آن صرف‌نظر کنیم.» صمدسال تنهایی اثر بزرگ گابریل گارسیا مارکز نویسنده کلمبیایی است که برای نخستین‌بار در سال ۱۹۶۷ منتشر و در سال ۱۳۵۳ با ترجمه بهمین فرانزه در تهران منتشر شده بود.

ساحل لاچوردی

«سودربگ» رقیب «گذشته» شد

فرهادی: مخاطب ایرانی برایم مهم است

● **شرق:** با نمایش فیلم «پشت شمعدانی» استیون سودربگ، به نظر می‌رسد رقیب تازه‌ای برای فیلم «گذشته» اصغر فرهادی برای دریافت نخل طلای کن پیدا شده است. استیون سودربگ که در همکاری تازه‌ای با مایکل داگلاس و مت دیمون، داستان زندگی پلیاست مشهوری را جلوی دوربین آورده است، با نخستین نمایش اکران فیلمش تحسین بسیاری از منتقدان را به خود جلب کرد. به‌طوری‌که برخی از منتقدان از جمله وراثتی «پشت شمعدانی» را بزرگ‌ترین پروژه سودربگ بعد از «چه» نامیدند. آنچه در این فیلم مورد تحسین بود، جدا از داستان فیلم بازی مایکل داگلاس در این فیلم بعد از طی کردن دوران بیماری سرطانش بود. بازی‌ای که برای نخستین‌بار همه منتقدان با هم متحد کرد و او را مهم‌ترین گزینه دریافت نخل طلای بازیگری دانستند اما اصغر فرهادی که همچنان با فیلمش در صدر گزینیه‌های دریافت نخل طلای کن شصت‌وششم است؛ در گفت‌وگویی با خبرگزاری ایسنا از دلایل تعویق اکران «گذشته» در تهران گفت. به گفته فرهادی نسخه‌ای که در تهران است؛ کیفیت خوبی ندارد: «نسخه‌ای که الان از فیلم در ایران وجود دارد، زبرنویش به لحاظ فنیابهنیدی استاندارد نیست و با عجله آماده شده است؛ بنابراین مایل نیستم نسخه‌ای را که کامل نیست، تماشاگران ببینند.» او درباره نسخه‌ای که در تهران قرار بود برای خبرنگاران به نمایش برآید، گفت: «تلاخ ندارم قرار نمایش فیلم برای اهالی رسانه با هماهنگی چه کسی انجام شده اما طبیعی است با نمایش نسخه‌ی دی‌وی که میکس صدا، تصحیح رنگ و موسیقی آن نهایی نیست و -به این مضمون که این نسخه تنها برای بازبینی محدود مجاز است - مخالف باشم. این نوع نمایش بی‌احترامی به تماشاگر است.» او در گفت‌وگو با ایسنا گفته: «شتتایی را که برای دیدن فیلم وجود دارد، در کم می‌کنم؛ ولی از سوی دیگر، باید این احترام را به مخاطبان بگذاریم که نسخه باکیفیت فیلم را ببینند.»

زیر آسمان فیروزهای

نامه مشایی به «آقای بازگر»

● **شرق:** ۱۲روز از زمان حضور «عزت‌الله انتظامی» در وزارت کشور و همراهی او با اسفندیار رحیم‌مشایی برای نام‌نویسی نامزدهای ریاست جمهوری می‌گذرد، ماجراجی که باعث شد عزت‌الله انتظامی چند روز پس از این جریان، در نامه‌ای خطاب به مردم ایران از اینکه قرار بوده، در کنار مشایی و رئیس‌جمهور به وزارت کشور برود، اظهار بی‌اطلاعی کند. البته این محبت‌های انتظامی از سوی کمیته رسانه ستاد حامیان مردمی اسفندیار رحیم‌مشایی بی‌پاسخ نماند و در اطلاعیه‌ای که ۲۸ اردیبهشت منتشر شده، آمده بود: «بی‌شک، شرایط کنونی ایشان، برای ما قابل درک بوده و از آنجا که ایشان از استاد پیشکشوت این عرصه می‌دانیم، حفظ شأن و جایگاه عزت‌الله انتظامی را بر خود مفروض می‌داریم، اما در تازه‌ترین جبرها در همین زمینه، رحیم‌مشایی دیروز، اول خرداد و یک روز پس از رصالحیتش برای انتخابات ریاست جمهوری در نامه‌ای به انتظامی اظهار کرده است: «از این فرصت استفاده کرده‌ام رادتم را تجدید می‌کنم. از وضعیتی که پیش آمد خیلی متأسر شدم. روانیست که در پی یک عمر تلاش، خاطراتن ما مگر شود»